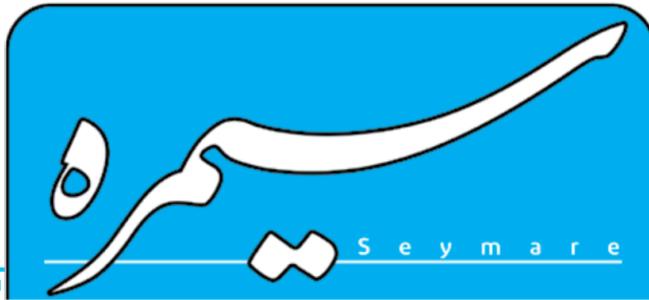




رئیس شورای شهر خرم‌آباد:
رفع مشکلات منطقه ۳ در
اولویت شورا و شهرداری است

اعضای شورای شهر نگاه صنفی و
منطقه‌ای به شهر خرم‌آباد ندارد

صفحه‌ی آخر

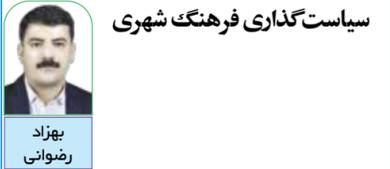


استاندار لرستان مطرح کرد:
**لرستان در شیب
بالای ابتلا به کرونا**

اعمال محدودیت‌ها از
هفته‌ی آینده
صفحه‌ی ۲



سرمقاله



سیاست‌گذاری فرهنگ شهری

فرهنگ از جمله مقولاتی است که دارای نقش‌ها و کاربدهای مختص به خود است که به‌طور طبیعی می‌تواند نقش حائز اهمیتی در رشد و اعتلای جامعه‌ی انسانی برعهده داشته باشد. فرهنگ از خوانش‌ها و تعابیر مختلفی برخوردار است ولی آن‌چه که می‌توان در معنا و مفهوم آن استنباط کرد و نوعی اجماع در تعریف آن وجود دارد باورها و نگرش‌ها و اخلاقیات هر فرد و اجتماع انسانی به موضوعات گوناگون و نقشی را که این مفاهیم در زندگی فردی و اجتماعی هر شخص می‌توانند داشته باشند، می‌توان ذیل فرهنگ دانست.

گسترش توامان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شهر، به‌رغم مزیت‌های بی‌شمار آن، گاهی انسان شهرنشین را دچار از خود بیگانگی، انزوا، پرخاشگری و افسردگی می‌نماید. عوارض منفی گسترش فیزیکی شهر و به تبع آن پیچیده‌شدن روابط انسانی تنها به شهروند ختم نمی‌شود و در ادامه باعث از هم‌گسختگی رابطه گروه‌های مختلف جامعه می‌گردد به گونه‌ای که بسیاری از افراد خانواده، هم‌تیمی و هم‌کلاس ارتباطشان قطع شده و هرکدام در تنهایی و انزوا به سر می‌برند. حال باید از خود پرسیم، با ادامه‌ی انبساط شهر، آینده‌ی فرهنگ انسانی و شهرنشینی چگونه خواهد بود؟

این آشنایی‌زدایی از زیست انسان و روال‌های عادی زندگی روزمره، انسان تنها را به چه سمت و سویی خواهد برد؟

تمام شواهد و مدارک و پیش‌بینی‌ها گویای این است، فرهنگ مرادفات و تعاملات اجتماعی به سرعت تغییر کرده و گروه‌های دوستانه کوچک‌تر می‌شوند. در حالی که حضور و فیزیک افراد جای خود را به تصاویر دیجیتال و مجازی خواهد داد، دلنگری‌ها بیشتر می‌شود و آهسته آهسته سیطره دنیای دیجیتال و انبساط بی‌قاعده شهر باعث مشکلات روزافزون انسان مدرن خواهد شد. تازه عواملی مثل گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، ضعف نهادها و نبود کار گروهی و از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی باعث تشدید این بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی انسان‌ها نسبت به هم می‌شود.

ادامه در صفحه‌ی آخر

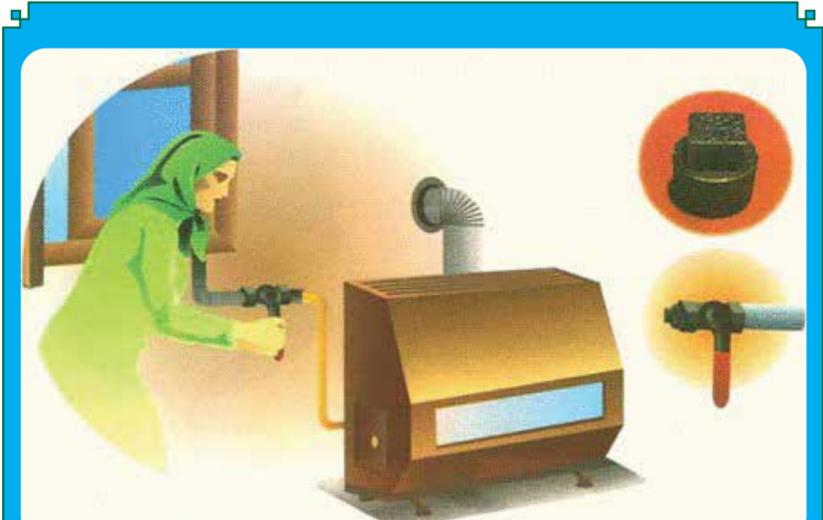
صفحه‌ی ۲



این کویر پر آب این‌جا چه می‌کند

تیمرها

- از به هم رسانی بحران‌ها تا ریسک نکول اصولگرایان
علی صارمیان
۲
- فرصت طلب مرده خورا!
ماشالله اکبری
۳
- منطقه‌ی ممنوعه و ممنوعه‌ی منطقه
حمزه فیضی‌پور
۳
- پادشاه شقیط و رویای کاخ افسانه‌ای!
وحید حاج‌سعیدی
۳
- قاضی منصوری مرحوم
الهام خوشنام‌وند
۲
- راز ماندگاری؛ استقامت و پایداری
علی معظمی‌گودرزی
۳



چنان‌چه برای مدت طولانی قصد استفاده از وسیله‌ی گازسوز را ندارید (به عنوان مثال تابستان‌ها) حتما شیر مصرف به‌طور نافه‌استه آن را بسته نگه‌دارید و درپوش را همراه با نوار تفلون بر روی آن نصب نمایید.

روابط عمومی شرکت گاز لرستان

پلیس ما باشید

مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی

۱۹۷

باتلفن

آماده دریافت انتقاد، پیشنهاد، شکایت و تقدیر شما هموطنان گرامی از عملکرد پلیس می‌باشد

دفتر نظارت همگانی بازرسی فرماندهی انتظامی شهرستان کوهدشت

مادر پدر

در تابستان گرم امسال

در مصرف آب

بیش‌تر دقت کنیم.

روابط عمومی و شورای فرهنگی دینی شرکت آب و فاضلاب استان لرستان

یادداشت

قاضی منصوری مرحوم



الهام خوشنماورند

فکر می‌کنید خیلی خنده‌دار است؟ خیر جانم، خیرا! این که در فاصله‌ی چند روز از ارسال یک فیلم ویدیویی تا لحظه سقوط، از یک مرد صد و پنجاه کیلویی، منشی استخوان بدون گوشت و پوست و خون بماند به شکلی که دو نفر با سرانگشت، کاور جسدش را حمل کنند؛ شگفتی همراه با مزه‌پرانی دارد؟ چرا توجه نمی‌کنید که با وجود آن همه پول که در دسته‌های صد هزار یورویی با خودش برای کیف و حال برده بود امه، غداً وجدان و غم فراق از خاک پاک وطن، آن چنان درهم کوبیده‌اش که از آن هیکل آرنودی، شاید یک شکم هم باقی نمانده؟!

حالا شما هی باور نکن و پیش خودت و بقیه بگو: «آقا! مرگ چی، کشک چی، پشم چی؟!» و هی از جزایر قزاقی و آفتاب‌گیری قریب‌الوقوع مرحوم، خبرهای منیع بپراکن.

اصلا شما عادت دارید همه چیز را به مستخره بگیرید. بله! درست مثل همین امروز که دلار از ۲۰ هزار تومان گذشت و مردم هر کشور دیگری که بودند در غم پهن‌شن پول ملی، خاک کویر لوت را به کمک هم، تبدیل به گل کردند بر سر و صورت خودشان می‌مالینند! اما از شما مردم طنز؛ بی‌خیال تا دلت بخواهد جک‌های ملیج با طعم توت‌فرنگی در سایت و کانال‌های ضاله منتشر شد و دریغ از حنا اشاره‌ای به بدبختی‌های پیامد دلار ۲۰ هزار تومن!؛ حالا چه توقعی است که دست از سر این نصف نصف جنازه‌ی قاضی منصوری بردارید؟ شک ندارم شماها تا فیهالخالدون ماجرا را با مستخره‌گی و جک‌بازی به گند نکشیده، ول کن معامله نمی‌شوید.

خیلی‌هائیان با را از این هم فراتر گذاشتید و زیر بار «خودکشی کردن» مرحوم نمی‌روید و با کمال وقاحت از «خودکشی‌شدن» او داد سخن می‌دهید! آخر نه جنازه‌ی قاضی منصوری بردارید؟ شک ندارم شماها تا فیهالخالدون ماجرا را با مستخره‌گی و جک‌بازی به گند نکشیده، ول کن معامله نمی‌شوید.
خیلی‌هائیان با را از این هم فراتر گذاشتید و زیر بار «خودکشی کردن» مرحوم نمی‌روید و با کمال وقاحت از «خودکشی‌شدن» او داد سخن می‌دهید! آخر نه جنازه‌ی قاضی منصوری بردارید؟ شک ندارم شماها تا فیهالخالدون ماجرا را با مستخره‌گی و جک‌بازی به گند نکشیده، ول کن معامله نمی‌شوید.
خودش را در مقام متهم ببیند چقدر سخت است؟ این‌که یاران قدرقدرت‌ش، که حالا خودشان در کوزه افتاده‌اند و نیازمند یاری سبز هستند و کاری ازشان برایت بر نمی‌آید. یا کارهای لاغری که روزگاری اجتماعی مورد حکم، هنوز که هنوز است قاضی نقاط وجودشان از دغای صلابت آن احکام، درد می‌کند خودش را در مقام متهم ببیند چقدر سخت است؟

این‌که یاران قدرقدرت‌ش، که حالا خودشان در کوزه افتاده‌اند و نیازمند یاری سبز هستند و کاری ازشان برایت بر نمی‌آید. یا کارهای لاغری که روزگاری اجتماعی مورد حکم، هنوز که هنوز است قاضی نقاط وجودشان از دغای صلابت آن احکام، درد می‌کند خودش را در مقام متهم ببیند چقدر سخت است؟ این‌که یاران قدرقدرت‌ش، که حالا خودشان در کوزه افتاده‌اند و نیازمند یاری سبز هستند و کاری ازشان برایت بر نمی‌آید. یا کارهای لاغری که روزگاری اجتماعی مورد حکم، هنوز که هنوز است قاضی نقاط وجودشان از دغای صلابت آن احکام، درد می‌کند خودش را در مقام متهم ببیند چقدر سخت است؟ این‌که یاران قدرقدرت‌ش، که حالا خودشان در کوزه افتاده‌اند و نیازمند یاری سبز هستند و کاری ازشان برایت بر نمی‌آید. یا کارهای لاغری که روزگاری اجتماعی مورد حکم، هنوز که هنوز است قاضی نقاط وجودشان از دغای صلابت آن احکام، درد می‌کند خودش را در مقام متهم ببیند چقدر سخت است؟

با این همه اننده، تو باشی چکار می‌کنی؟ آیا منتظر می‌مانی تا یک برادر دلسوز بیاید و تو را از نمی‌دانیم پنجره، بالکن، پارکد پله خلاصه از جایی پرت کند و تمام؟! یا از همان آپشن «دست‌های قدرتمند» خودت استفاده می‌کنی و خود را خلاص می‌کنی؟ و یا با برادرهای رومانیایی هماهنگ می‌کنی- البته به حکم همان یوروهایی سخ که سوغات برده بودی -تا یک کاور پر از خاک گلنان را به آمبولانسی که اجیر کرده‌ای منتقل کنند و بعدش تو و عشق و حال و بهشت لاس‌وگاس و… البته راه اول و سوم را دلم نمی‌پذیرد ولی عاقل…

لعنت بر شیطان! نمی‌خواهم همراه شما گناه مرده

را بشورم اما چرا این روزها هرچه بیش‌تر ماجرا

را واهی‌کوم، بیش‌تر به یاد فیلم «آدم‌برفی» و

شامزوتی‌باری «اسی» و «جواد» و «عباس» می‌افتم

که چطور ماجرای مرگ «درنا» را واقعی نشان داند

و بعدش هرکس رفت بی زندگی خودش! آخر چرا؟!

با همه‌ی این‌ها از من به شما نصیحت، شما هم این‌قدر توهمات خودتان را تکرار نکنید که» اگر مرده، کشته شده و اگر هم کشته نشده، حتماً در زیر تخلص با لیوانی پر از نمی‌دانم چه، دراز کشیده و از آفتاب، ویتامین‌دی می‌گیرد و خیلی ریز به ریش همه می‌خندد! در ذهن خودتان و بقیه ملکه می‌شوید. حالا درست است که این قاضی تومنند درشت‌هیکل سابق و جنازه‌ی رژیم‌گرفته‌ی در کاور، دچار خطای محاسباتی شد و به رومانی پناه برد و می‌گویند جان

به در نبرد، ولی یادتان نرود که اگر به کانادا می‌رفت، خودش را نجات می‌داد ولی پول بیت‌المال و مردم را

می‌باخت اما این‌بار نه در تبنانی با «اسی» و «جواد» و

آمبولاس، که در میز قمار و کف حوربان! این پول‌ها

که دیگر بر نمی‌گردند، لاقل خودش هم ازشان فیضی

نبرد تا دل ما خنک شود!

خیلی هم به حجم بسته‌ی جنازه‌اش زوم نکنید. مهم

کیفیت است نه کمیت!؛ حالا اگر او خواسته خودش را

و شهادت نجات‌دهنده‌اش را از طبری و دوستان بگیرد،

بگناید بگیرد، یا اگر یاران سابق، پرونده‌ی عرضی و

طویل طبری را از گنجینه‌ی اسرار مرحوم کردند، زبند

سخت بگیرد، شماها خیلی پیگیرید، بروید سقا

وام‌ها و اجاره‌خانه‌ی وحشتناک و سفره‌های خالی

خودتان را راست و ریس کنید.

در آخر توصیه می‌کنم ماجرا را زیاد کش ندهید و

اگر خدای نخواستہ مدتی بعد عکس مرثی با

ریش چندنتیغه و کراوات، بغل به بغل بانوان بور، در

شکبه‌های متخلف مجازی دست به دست شن؛ از

همین الان بلائید و آگاه باشید که او قاضی منصوری

مرحوم نیست!

هرچند به قولی «ننوشتن عنایبی دارد خیلی بیش‌تر از توانایی در نوشتن» اما در ماه‌های اخیر فرصتی دست داد برای روی‌آوری به خواندن، بیش از نوشتن؛ با اولویت تولیدهای فکری مرتبط با استان لرستان و در همین مسیر امکانی فراهم آمد برای مرور دوباره‌ی کتاب پربار «گنجینه‌ی آب لرستان» که گنجینه‌ای است رنگین کمائی از وجه‌های مختلف.

کتاب سراسر غرق در آب است و آب و آب؛ در سرزمینی که حیطه حیطه‌ی آن از تشنگی له‌له می‌زند در کنار آشوبه‌ای از سیلاب‌های ویرانگر! و بوی این سوختن در آب همه‌جا پیچیده است؛ از نرخ‌های بالای بیکاری، مهاجرت‌های ناگزیر سرمایه‌های انسانی و مالی، تعطیلی واحدهای بزرگ، پروژه‌های ناتمام و… اخیراً هم بالاترین شاخص فلاکت در بین استان‌های کشور!

«گنجینه‌ی آب لرستان» به شایستگی، همه‌ی عامل‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی مرتبط با آب را در برهه‌های مختلف زمانی و در مکان‌های مختلف منطقه به تصویر می‌کشد و از تلاش‌ها و خلاقیت‌های مردمانی سخن می‌گوید که برای بهره‌برداری بهینه از آب و افزایش کارایی محیط، به نمایش‌های حیرت‌آور دست زده‌اند هرچند به قول «مور»؛ نه به قصد چیرگی بر طبیعت بلکه به کمک محاسبات و فن‌آوری‌های روز خود، برای یخشیدن حیاتی دیگر به طبیعت و غنی‌تر کردن آن!

کتاب تو را به منشوری از اندیشگی فرامی‌خواند با

رنگ‌ها و سوبه‌های گوناگون:

نخست توانایی عالمانه‌ی پدیدآورندگان آن، در آن‌چه خلق کرده‌اند به گونه‌ای که در پس وازوه‌ها، سطر سطر و برگ برگ این گنجینه، نه تنها عرق پریزن جسم بلکه به تعبیر «ویلیام فالگنتر»؛ عرق‌پریزن روح آن‌ها نیز به روشنی نمود دارد.

نگاه غالب کتاب، بر نمودن توانایی‌های مردمی است که در گذر زمان، برای بهره‌گیری از طبیعت به عنوان بهره‌بردارانی هم سو و دوست، بر بستر آن زیستند و … حال، این پرسش که آن‌ها با

آب، یعنی کلیدوازه زیست خود چه کرده‌بوند و امروز ما و مسئولانمان با این زر ناب و در فضایی فراخ‌تر، با دیگر منبع‌های گاه کم‌ماندمان نیز چه می‌کنیم؟! با خاک، جنگل و مرتع، توپوگرافی، هوا، با مردم این دیار، با میراث فرهنگی و گردشگری، با موقعیت ممتاز جغرافیایی‌مان در سرزمین ملی … ما و دستگاه‌های مسئول چه برخوردی داشته‌ایم؟! در همین حیطه‌ی آب، گره‌گشایی از کار فروریسته‌ی سدهای معشوره، رودبار، بختیاری و مخمل کوه و… به دستان گره‌گشای کدام نهاد و سازمان سپرده شده‌است؟! چرا از ۹ میلیارد متر مکعب آب استان و ۴ میلیارد مکعب آب ورودی به آن، فقط اجازه‌ی برداشت نیم‌میلیارد مترمکعب به لرستان داده شده‌است! هم‌سو با بحث، نمایندی

اخبار

تیر یک

این کویر پر آب

این جا چه می‌کند

-----صداق سیفی



کوهدشت و رومشکان در جریان سیل گذشته اظهار داشته‌اند: اگر سد معشوره احداث می‌شد، یک میلیارد و دویست متر مکعب آب جمع‌آوری می‌شد و بخش شاه‌ویند آن‌قدر صدمه نمی‌دید. هم‌چنین میزبانی مدیرعامل پیشین آب منطقه‌ای لرستان می‌گوید: اگر سیلابی با دوره‌ی بازگشت ۲۰۰ ساله در خرم‌آباد رخ دهد تلفات جانی و مالی زیادی می‌آورد. به نظر وی، احداث سدهای مخزنی و تاخیری مخمل کوه و تنگه‌ی شیبخون در و کرخه است بپه‌ند آن هم به شرط این‌که استان نیز مبلغ ۱۰ میلیارد سهم خود را تامین از راهکارهای حل مشکل سیلاب در خرم‌آباد است(همشهری- ۱۲ اسفند ۹۷)

از سوی، محمد هنربخش مجری طرح سد بختیاری می‌گوید این سد می‌تواند ۶۰درصد روان‌آب‌ها و ۵۰درصد رسوب منتهی به سد از چند مهار کند. (اطلاعات- ۲۵ فروردین ۹۸)

اینک باید پرسید با این همه حرف و حدیث، سدهای یاد شده در کدام مرحله‌ی اجرایی هستند، قرار است توسعه‌ی بخش آب در استان بر کدام مدار بچرخد هم‌چنین توسعه‌ی دیگر بخش‌ها تابع کدام مکانیزم برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و اجراست و برای استان در تقسیم کار ملی چه نقشی پیش‌بینی شده‌است؟! و این همه در حالی است که بی‌توجهی به این منطقه، مختص به بخش آب نیست و سایر بخش‌ها نیز درگیر چنین مصیبتی هستند که نمونه‌های زیر از بسپاره، اندکی است:

-رییس پیشین سازمان برنامه و بودجه در مراسم تودیع خود می‌گوید در حالی که سالانه متوسط

دلیل عدم ایجاد فرصت‌های شغلی، حجم عظیمی از کودکان خیابانی تهران را اهالی لرستان تشکیل می‌دهند که اغلب آن‌ها خرم‌آبادی هستند. وی می‌افزاید در بازدید از سیستان و بلوچستان مشاهده شد که بسیاری از خانواده‌های لرستانی به خاطر درآمد، در شرایط ناگواری مثل خوابیدن روی کارتن و در فضای غیرانسانی، ماه‌ها به سر می‌برند که یادآور کلکته و بمبئی است(جمهوری اسلامی- ۲۶ بهشت ۸۰)

-مدیرکل بهزیستی استان لرستان اظهار می‌دارد: لرستان از لحاظ بیکاری، فقر و تغییرات حد ساختار اجتماعی به گونه‌ای است که این استان از جهت کودکان خیابانی، اعتیاد و دختران فراری پشت سر تهران ۱۵ میلیون نفری قرار دارد و این استان وارد منطقه‌ی قرمز شده‌است(صدای‌ملت-۲۷ فرورد ۸۳)

-دوازه سال پیش از داستان گورخواب‌ها و اجاره پشت بام در تهران، صدای ملت با تهیه‌ی گزارشی خبر می‌دهد که: یک خانوار ۶ نفره خرم‌آبادی مدتی است به علت عدم توانایی مالی در تامین هزینه‌ی زندگی به یک غار واقع در دامنه‌ی سفید کوه خرم‌آباد مهاجرت کرده‌اند.

رسول پاک‌دل مسئول موسسه خیریه باب‌الحوائج می‌گوید تعدادی مواد غذایی از جمله برنج و گوشت به آنان تحویل دادیم ولی متأسفانه چراغ و وسایل دیگر برای پخت مواد غذایی در اختیار ندارند…(صدای ملت ۲۵ آبان ۸۷)

و… نمونه‌های بسیار دیگر که در حد این نوشتار نیست.

با وجود چنین تصویرهایی هولناک، ببینیم دستگاه‌های مسئول پس از آن چه کرده‌اند؟! بر پایه‌ی اعلام معاون فقرزادبی وزارت رفاه در سال ۸۵، ۱۴ استان محروم کشور در برنامه‌ی فقرزادبی قرار گرفتند که عبارت بودند از : سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، ایلام، کرمان، کردستان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، آذربایجان غربی، کرمانشاه و خوزستان و می‌بینید که چه ترازوی دقیقی داشته‌اند عزیزان محرومیت‌شناس؟! شاید با این گروه‌بندی حیرت‌آور باید به «پرتولد برشت» حق داد که بگوید در [اینان] کسی هست که به او امیدی نمی‌توان بست.

و با شاعر هم‌صدا شد و گفت: ای گل سرخ خوش‌رنگ که مردم‌های بی‌خرد و بی‌احساس تو را رفته، بعضی‌ها با دلار ۷ تومانی کارخانه ساختند سخن را به مسیر اولیه بازگردانیم؛ با شادباش به فرهیختگان گران‌قدر: عطا حسن‌پور و رضا میزبانی که برای خلق اثر ماندگار گنجینه‌ی آب لرستان و غنا بخشیدن به منبع‌های معتبر توسعه‌ی استان از همتی کارساز بهره‌برده‌اند و تقدیم این شعر «پایلو نوربا» به این عزیزان که:

چگونه به میخک‌ها بگویم که برای عطرشان سیاس گزارم؟

استاندار لرستان مطرح کرد:

لرستان در شیب بالای ابتلا به کرونا اعمال محدودیت‌ها از هفته‌ی آینده



درمانی، توزیع ماسک با قیمت مصوب و… از مصوبات ستاد مدیریت کرونا در لرستان بود.

جلسه‌ی بررسی وضعیت بیماری کرونا در لرستان شامگاه حضور ویسکرمی نماینده مردم خرم‌آباد و چگنی در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استان برگزار شد.

استاندار لرستان در این جلسه گفت:« وضعیت

بیماری کرونا در چند روز اخیر از نظر تعداد

میتالیان، بستری‌ها و فوتی‌ها در استان با رشد

روبرو شده و جلسه امشب به همین دلیل برگزار

شده است.»

سید موسی خادمی اظهار داشت:« با توجه به

وضعیت کنونی استان، اقدامات محدود کننده از

اول هفته‌ی آتی اعمال خواهد شد که در این

رابطه به مردم اطلاع‌رسانی می‌شود.»

وی با اشاره به روند قرار گرفتن استان در شیب

بالای ابتلا به بیماری تصریح کرد:« مراکز درمانی

استان کاملاً در حالت آماده باش هستند و تعداد

تخت‌های بستری برای ارائه خدمات به بیماران

افزایش بیشتری داشته است.»

استاندار لرستان خواستار عدم حضور مردم

در مراکز ازدحام جمعیت و مراسمات به عنوان

کانون‌های شیوع بیماری شد و افزود:« رعایت

بهداشت فردی و استفاده از ماسک کماکان به

عنوان بهترین راه حل پیشگیری از بیماری به

مردم توصیه می‌شود و انتظار می‌رود که مردم در

این زمینه همکاری لازم را داشته باشند.»

در جلسه‌ی ستاد مدیریت کرونا

مصوب شد؛

تعطیلی مسافرخانه‌های

شهرهای در وضعیت قرمز لرستان

تعطیلی مسافرخانه‌های شهرهای در وضعیت قرمز، تامین دارو و تجهیزات مورد نیاز مراکز

یادداشت

خشم آتش



حبیعی شرفی

* به پاس جان باختگان عرصه‌ی محیط زیست

باعرض تسلیت به بازماندگان و آرزوی بهبودی برای مصدومان.

با آغاز فصل گرما و خشک شدن کشت وعلف

زارها درسال ۱۳۹۹ به مانند سال های قبل، حتی

بی رحمانه تر شاهد آتش سوزی های ناخواسته

یاخودخواسته هستیم.

خشم آتش درگوشه وکنارمیهنمان به ویژه درمنطقه

ی زاگرس این دیار مظلوم واقع شده بی پرواتر است.

زاگرسی که زیست بسیاری از گونه های گیاهی

وحیوانی و بقای جان انسان های بی شماری در ایران

به آن وابسته است اما شوربخانه که مورد دست

برد یغماگران کوه خوار و مراتع و جنگل خوار و

همچنین بی مهری مسئولان به خصوص در حوزه

ی محیط زیست و منابع طبیعی قرارگرفته است.

تاکتون درسال جاری بنا به آمارهایی بیش از چهل

هزار هکتار از جنگل ها و مراتع به کام آتش فرو

رفته است.

نبردی نابرابر بین زنان و مردان شجاع و فداکاری با

دستانی خالی و بی پناه با آتشی جان ستان و خانمان

برانداز در جریان است.

مشق این نبرد را آموزگاران محیط زیستی که

داوطلبانه جان برکف نهاده اند به مانند جان باختگان

اخیر زنده یابان البرز زارعی، محتار خدانی، یاسین

کریمی و بلال امینی به ما می آموزند تا هم حس

نوع دوستی و فداکاری را فراموش نکنیم و هم شرمی

باشد بر پیشانی به ظاهر خفتگان خاموش که نظاره

گر بشه ورتشن آتش یا به نوعی در آفرختن آن

نقشی دارند.

یادداشت

«میلیونر گم شده»!



زمان شاهانه‌اندیشمت:

مانند ژنرال دوگل او بی‌رقیب و تنها بود، به عنوان یک مرد و به عنوان یک نویسنده. مقایسه را همین‌جا پایان داد. او علی میردیکوندی نام داشت، ولی ترجیح می‌داد گونگادین خوانده شود. دهقانی بود از سرزمین‌های وحشی لرستان در جنوب غربی ایران و در هیچ قاموسی نمی‌شد او را باسواد نامید. وقتی من در سفارت انگلیس در تهران کار می‌کردم او را به عنوان خانه شاگرد به منزل امده شد هفته پهلویم بود و سپس ناپدید شد، این تمام آشنایی من با او بود. خارق‌العاده‌ترین شخصیتی که تا کنون در همه‌ی عمرم ملاقات کرده‌ام، یعنی منصف همین کتاب. به‌نظر می‌رسید که حتا کثافت را به خاطر خود آن دوست داشت. در عین سادگی و بی‌تکلفی صاحب طبعی ستیزه‌جو بود. شما را می‌خنداند اما وانمود می‌کرد برای چه شما می‌خندید و انسان ناگزیر از خود می‌پرسید آیا او در همان حال، ته دلش به‌من نمی‌خند؟

چون دهقانی بی‌چیز بود حق نداشت سواد داشته باشد، معالکات پیش خود نوشتن فارسی را یاد گرفته بود. چگونه و از کجا، من نمی‌دانم و پس از ورود نیروهای انگلیسی و آمریکایی به ایران در دوران جنگ، با همین شیوه، پیش خود انگلیسی را نیز آموخت. از روی کتاب فرهنگ لغت، از راه گوش کردن به مکالمه سربازان و از راه خواندن انجیل «سن – سن» ماتیو» که پیش نماز مسیحی به او داده بود. نتیجه این خودآموزی نثر انگلیسی این کتاب است که به صورتی قابل توجه تشویق‌آمیز و در عین حال تاثیرانگیز است. به‌نظر من وقتی او عبارتی را غلط می‌نوشته خود متوجه می‌شده، اما عقیده داشته همان‌طور که خودش فکر می‌کند اگر بنویسد بهتر است و چه کسی می‌تواند مدعی شود که "زبیبایی نامحدود و لایتناهی" به مراتب بهتر از زبیبایی محدود و تأمین شود.

فرمانداری‌ها هینت‌هایی برای مراجعه به منازل

متوقیان به منظور جلوگیری از برگزاری مراسم

اعزام کنند.

-رستوران‌ها فعالیت‌های خود را صرفاً به صورت

غذای بیرون در محدود کنند.

-سنا و سیمای استان نسبت به اطلاع‌رسانی

و تهیه کلیپ هشدار دهنده با حضور امه جمعه،

ورزشکاران و هنرمندان اقدام کند.

-تأسیسات علوم پزشکی نسبت به اطلاع‌رسانی

وضعیت شهرها تا ساعت ۸ صبح چهارشنبه به

هفته جهت برگزاری نمازهای جمعه اقدام کند.

-اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به

اعلام ممنوعیت برگزاری تجمعات از نظر شرعی

و اجتماعی و برخورد قضایی با بانیان تجمعات

اقدام کند.

-در محضرهای ثبت عقد از خانواده زوجین به

منظور جلوگیری از ازدحام تمهد گرفته شود.

-سازمان صمت نسبت به تهیه ماسک با قیمت

مصوب برای دانشگاه علوم پزشکی و توزیع در

داروخانه‌ها برای استفاده مردم اقدام کند.



یادداشت

منطقه‌ی ممنوعه و ممنوعه‌ی منطقه



حمزه

فیضیپور

وَإِنَّا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا الْقَوْلُ فَنَدِمْنَاهَا ثَمِيمًا (اسراء - ۱۶)
و ما چون اهل دیاری را بخواییم به کبفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متمنعان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن) آن‌ها راه فسق (و تبه‌کاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم به راه آن‌ها روند) پس آن‌جا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت، آن‌گاه همه را هلاک می‌سازیم.

هفته‌ی اول تیرماه هر سال با هدف ارج نهادن به مقام خطیر قضاوت و تکریم از جایگاه رفیع شخص اولین در راس دستگاه قضایی کشور «شهید مظلوم آیت‌الله سیدمحمد بهشتی» که در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند در تقویم کشورمان به عنوان هفته‌ی قوه قضاییه نام‌گذاری شده است. در تیرماه سال جاری آیت‌الله ربیعی در اولین سال تکیه بر مدیریت دستگاه عدلیه کشور در مصاحبه با شبکه اول سیما به تشریح اقدامات خود پرداخت. مهم‌ترین ویژگی بارز مدیریت جدید دستگاه قضایی در این دوره طرح کلیواژه "میزازه با فساد" است که افکار عمومی جامعه را متوجه خود نموده است، دلیل اساسی حساسیت افکار عمومی به مقوله‌ی فساد اداری؛ " سرخوردگی ها و نا امیدی‌های" ریشه‌دار می‌باشد؛ سرخوردگی توده مردم، نخبگان و به طور خاص کنشگران و فعالان مدنی در عرصه‌ی روزنامه‌نگاری به خاطر شکسته شدن قیج خلاف، فساد اداری، اداره کردن فساد!! و اختلاس تو سط برخی مدیران و کارگزاران دیوانی و اداریکارگزاری که در نبود و یا ضعف بسیار چرخه چرخش منابع انسانی شایسته و کارآمد و نیز سلطه‌ی "روابط" بر "صوابط" و با توسل به حیله، ربا و رنگارنگی (به انحص رباکاری سیاسی که سنگر فساد به شمار می‌آید) اختاپوس وار بر منابع ملی چنگ زده‌اند و ذیل "خوشاوندپوری" ناشایان سال‌ها مدیریت‌ها را در ارکان مهم و مختلف قدرت ارتاق نموده‌اند و با ظاهرسازی عوام‌فریبانه به تحکیم و تثبیت جایگاه خویش و اذتاب مربوطه و متعلقات پرداخته‌اند و با حربه تهمت زدن و هر ابزار پلید دیگر عرصه ها را از آن خود کرده‌اند و با فرار روبه جلو (انگ زنی‌ها و برجسب‌های ناروا بر دیگران) میدان حضور را بر "مایستگان" داری عزت نفس و متعهد به قوانین و ارزش‌ها تنگ نموده‌اند. پرونده‌ی متهم مدیر مجری (اکبر طبری) دردستگاه میاززه با فساد (گلوگاه استراتژیک در مبارزه با فساد) در روزهای اخیر و انتشار محتوای جلسات دادگاه آن، هرچه بیش‌تر افکار عمومی را حساس‌تر کرده است. حساسیت به خاطر نقش و حوزه‌ی کاری متهم، مطرح شدن افراد نامی دیگر (قاضی معروف رفته در سفر فرنگ؛ آلمان و بعد حضور عجیبش در رومانی) و تاکید ریاست جدید قوه قضایه بر مبارزه با فساد

یابد بی‌پذیریم و خوشحال باشیم که آیت‌الله ربیعی در مقام مقایسه با مدیران پیشین و در این مدت زمانی تصدی مسئولیتشان (یک‌سال) خوب شروع نموده است و تا حدودی مفسدین ریشه‌دار، مدیران ملون و چندزیست را هراسناک کرده است البته امیدواری آنگاه بیش‌تر خواهد شد که «... ندای "منطقه‌ی ممنوعه" نثاریم...» به جد استمرار داشته باشد و چتر فراگیری قانون مبارزه با فساد بر سر همه ارکان قدرت و صاحبان ثروت بادآورده سایه بیندازد و دستگاه تحت مدیریت ایشان از قضات معامله‌گر پاک شود و دیگر دستگاه‌های اداری مامن مدیران و کارگزاران متنفذ رباکار چند زیست نباشد. همان‌طور که ایشان در پاسخ به سوآلی مبتنی بر این‌که آیا از خبرنگاران و اصحاب رسانه که معضلات را می‌بینند و آن‌ها را گزارش می‌کنند، حمایت می‌شوند؟ گفتند که «...در قوانین بعضی از کشورها این قضیه وجود دارد که مخبرین و کسانی که خلاف و فسادی را خبر می‌دهند، موردحمایت و تشویق قرار گیرند. این موضوع یک اصل اسلامی است و در فقه ما و در قانون ما هم وجود دارد که کسانی که فسادی را به مسئولان مربوطه اعلام کنند، حتما باید مورد تشویق قرار گیرند...»
یابد مردان و زنان فعال در عرصه مدنی که از فسادِ کارگزاران فاسد پرده بر می‌دارند در عیان و آشکار حمایت شوند و تشویق گردند. اگر فرجام پرونده مفتوحه‌ی اکبرها و طبری‌ها نتیجه دل خواه (قانونی و شرعی) را نصیب افکار عمومی نکند و همانند اتفاقات پیشین در هاله‌ای از ابهامات مختومه شوند آن‌گاه باید آهنگ مرثیه‌ی مرگ عدالت این بار محزون‌تر نواخته شود. آن‌چه در خصوص اتفاق ناگوارِ خبر مرگ قاضی منصوری باید در افکار عمومی پاسخی برای آن آورده شود سوالاتی است که ذیل این سوال می‌آید که آیا این سوالات "ممنوعه‌ی منطقه" نیستند همان‌طور که منطقه‌ی ممنوعه نداریم؟!

ادامه در صفحه‌ی آخر

علی‌خان و خان‌علی برادر بودند، پسران عین‌علی. مردم اما، آن‌ها را به نام مادرشان می‌شناختند. علی‌خان گلاو، خان‌علی گلاو، گلاب نام مادرشان بود. علی‌خان و خان‌علی چوب‌دار بودند و در کار پرورش دام شراکت داشتند. می‌خریدند، می‌چرانند، پروا می‌کردند و می‌فروختند.

یک‌بار که هنوز گله به گوشت ننشسته و وقت بازاریش نبود، علی‌خان بیمار شد و محتاج پول برای معالجه، علی‌خان مشکل را به برادرش گفت. دیو طمع خان‌علی بیدار شد و رشته‌ی برادری و پیوند گله پرور شد خان‌علی گله را بار زد تا ببرد برپورد برادرش تون خرید ندارد و ناچار به فروش است بنابراین قیمت پایین روی مال گذاشت و به برادرش پیام داد که با این قیمت یا بخر یا بفروش. خان‌علی فروشنده بود و گله را با نصف قیمت به برادرش فروخت. علی‌خان درگیر بود و درمان شد. گله پرور شد خان‌علی گله را بار زد تا ببرد برپورد

نمی‌کند که در کجای پلکان اجتماع ایستاده باشیم، بی‌شک آن پله و جایگاه را با فرصت‌طلبی به‌دست آورده‌ایم. مرضی فراگیر و مزمن که علایم‌اش را در رفتار و رویه هرکس می‌توان دید. سناتور مجلسی که منح قدرت و هیئت حاکمه می‌کند یکی فرصت‌طلب است. قاضی عالی‌رتبه‌ای که از گرفتاری مردم ارتزاق می‌کند یک فرصت‌طلب است. طبیبی که پول زرمیزی می‌گیرد یک فرصت‌طلب است چون از گرفتاری و رنج مردم اخلاق، به سیاست، به اقتصاد، به فرهنگ، به دین، به هست و نیست انسان چنگ انداخته است. فرقی بارانی فقط درست سوار می‌کند یک فرصت‌طلب

علمی – اقتصاد

فرصت طلب مرده خورا!



است. آن مقام مذهبی هم که بیماری پروانه‌ای را وسیله اعمال فشار بر مقامات بهداشتی می‌کند برای انجام کار غیر قانونی یک فرصت‌طلب است. فرصت‌طلب‌ها یک شبه میلیاردی می‌شوند، به اوج محبوبیت و شهرت هنری می‌رسند، مداح علمی و دانشگاهی را بی‌آن‌که قلم به‌دست گیرند و دفتری بنویسند طی می‌کنند. می‌نشینند بر صندلی مدیریت بی‌آن‌که مدیر باشند. شاید بعدها در اوراق تاریخ مهم‌ترین مشخصه‌ی انسان این عصر را فرصت‌طلبی تعریف کنند.

به‌نظر می‌رسد که در دنیای امروزی هرگونه تعالی

گرانی افسار گسیخته

فردین گمانگر/ روزنامه‌نگار



در کشوری است که از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه از سرمایه‌های خدادادی برخوردار است و مدیریت در این حوزه لنگ می‌زند.

عوامل بسیاری در افزایش قیمت‌ها و گرانی در کشور دخیل می‌باشد و بررسی و پرداختن به

که دیگر کسی توان پرداخت هزینه‌ها را ندارد و در گزارش‌های میدانی که برخی رسانه‌ها انجام دادند نرخ‌هایی اعلام می‌شود که در دهن هیچ آدم زمینی گنجانده نمی‌شود که یک شبه قیمت‌ها سر به آسمان بزند. نرخ اجاره بهای مسکن به حدی رسیده،

راز ماندگاری؛ استقامت و پایداری

علی معظمی گودزی

با شتاب عمل کردن و بدون شناخت دست به کاری زدن نتیجه‌اش معلوم است
دوستان محترم لطفا به این چند نکته مهم توجه بفرمایید.
اخبار و اطلاعات مرتبط با شغل تان را دنبال نمایید.
تشکیلات منسجم داشته باشید.
اگر می‌خواهید شرکت یا موسسه شما درست اداره شود باید از علوم و دانش برتر دنیا غافل نباشید.
نیروهای مجرب و کاردارن را به خدمت بگیرید.
رعایت این رهنمودها شما را به مسیر درستی هدایت می‌کند.

هیچ راهی برلتان بن بست نیست.
عملکردهای اشتباه شما هرگز تکرار نخواهد شد.
مشکلات لاینحل تان بطور کلی حل و فصل می‌شود.
انسان های تنبل و سست همیشه از غافلخه عقب هستند
جست‌وجو و تحقیق در امری که برای جواب آن آموزش و دوره‌های تخصصی برای جوانان لازم است.

تغییر این وضعیت در قالب های مشارکتی بازده بهتری دارد
عقره‌به‌های ساعت به سرعت می‌چرخند؛ پیروز میدان کسی است که کار را به موقع و در زمان انجام دهد.

ماشالله اکبری

و ترقی تنها از مسیر فرصت‌طلبی میسر است. هر پیشرفتی در گروه فرصت‌طلبی است و آن‌چه که برای پیشرفت لازم نیست و اهمیت ندارد البته قابلیت است و شجاعت است و استعداد است و خلاقیت است و فداکاری است و هوش است و صداقت است و شرم است و شرافت است و فروتنی است و تشخص است و تفکر است و ... فرصت‌طلب‌ها همیشه در کمین مردم نشسته‌اند، از کوچک‌ترین لحظه و لغزش‌ها فربه‌ترین ماهی را صید می‌کنند. کعبه‌ی آمال این الوقت‌ها سه ضلع دارد، ثروت، شهرت و قدرت. برای رسیدن به این کعبه پا روی تن مجروح و زندگی فروپاشیده همنوع می‌گذارند. روش‌های غیراخلاقی و ناموجه را برای رسیدن به هدف انتخاب می‌کنند و در این مسیر برایشان فرقی نمی‌کند که مال ورشکسته‌ای را به نصف قیمت بخرند یا بلادیدهای را تلکه کنند. فرصت‌طلبی البته غیراز وقت‌شناسی است که این از فضایل اخلاقی است و آن از ردیلت‌های اخلاقی. فرصت‌طلب مرده‌خور است و پست اما، وقت‌شناس پیش است و نوبرخر است و تازه خور. فقط یادم باشد این بار که رفتم پیش بابا دو مطلب را بگویم،

اول که این روزها معامله گرگی برای خیلی خیر فراوان داردا

و دوم این‌که خدا زیاد کند، کشت خان‌علی تخمی هفت تخم کرده است، امروز همه خان‌علی هستیم

پدر.

آن‌ها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد اما در این روزها برخی سیاسی‌کاری‌ها و رقابت‌های ناسالم جریان‌های سیاسی در کشور، فضا را برای برخی افراد سوذجو و دلالان ایجاد کرده‌اند که با ایجاد رانت و فساد به کسب سودهای باد آورده کنند هر چند که بارها از سوی مسئولان اجرائی و قضائیه تاکید شده که با این‌گونه موارد برخورد می‌شود اما هنوز اقدامی عاجل انجام نشده است که می‌توان به یکی از موارد اشاره کرد که دولت محترم پس از رشد نامتعارف قیمت خودرو در کشور با ورود به این حوزه، ظرف مدت زمان چند روزی قیمت‌ها را کاهش و تا حدودی از افزایش آن جلوگیری کرد اما چندان دوام نیاورد و امروز تنها با پوزش از مردم عنوان می‌کنند که تون مهار گرانی را نداشتند.

گرانی افسار گسیخته در کشور به معضلی برای مردم تبدیل شده است و امروز که شاهد بحران اقتصادی و افزایش آمار بیکاری و بالا رفتن هزینه‌های زندگی هستیم دولت باید با جدیدیت بیش‌تر با گرانی و مفسدان اقتصادی برخورد کنند و از افزایش شکاف طبقاتی و گسترش فقر و فساد جلوگیری کنند زیرا مشکلات اقتصادی سبب افزایش آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌های روحی و روانی در جامعه می‌شود.

جست‌وجو کردن در امری یا مطلبی، تحقیق و کنجکاوی برای یافتن ناشناخته‌هاست.
استقرار و ثبات فکری آرامش بخش است.
راه رفتن روی طناب باریک دل و جرئت می‌خواهد.
تحقیق و کنکاش دقیق لازم است؛ اما اگر مشکلی پیش آمد دنبال دیوار کوتاه نباشیم.

معنای واقعی کلمه استقلال یعنی عدم وابستگی به غیر؛ یا به مفهوم دیگر امور داخلی را بدون مداخله کسی اداره کردن است.
گاهی کسانی هستند که با نیکو پنداشتن یا همان دست آویز ساختن؛ سعی دارند خود را جلوتر از دیگران تصور کنند.
مواظب باشید ذهن تان تحت تاثیر افکار منفی و سیاه این افراد قرار نگیرد.
از همان جا که رسد دره همان جاست دوا
استناد قرار دادن و اصرار نمون؛ برای روشن شدن هر موضوعی به روش سنتی نمی‌تواند راه‌اکار درست حل مشکلات باشد.
استنباط یعنی درک مطلبی از مطلب دیگر به روش استنتاج یعنی نتیجه گرفتن از مقدمه‌ای که به عنوان پیش‌نویس در اختیار دارید.

قشنگ‌ترین استقبال از زبان شاعر و غزل‌سرای بزرگ ایران استاد سخن سعدی و حضرت حافظ سعدی می‌گوید.
بر من که صبوحی زدهام خرقه حرام است
ای مجلسیان راه خرابات کلام است
حافظ در استقبال از غزل سعدی می‌فرماید:
گل در برو می در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به‌چنین روز غلام است

سر بلند و پیروز باشید.

طنز

پادشاه شقیط و رویای کاخ افسانه‌ای!



وحید حاج‌سعیدی

در افسانه‌های قدیمی شرقی آمده است پادشاه ولایت شقیط برای جاودانه کردن آوازه‌ی سلطنت و پادشاهی خود تصمیم گرفت قصری باشکوه بسازد که در دنیا بی‌نظیر باشد و تالار اصلی آن در عین شکوه و عظمت، هیچ ستونی نداشته باشد!

کارگزار پادشاه از فرادی روزی که پادشاه این تصمیم را گرفت، دنبال مقدمات کار رفت و به اکثر بنگاه‌های معاملات ملکی با سابقه‌ی آن دوران سر زد. اما زمین مناسب برای ساخت قصر پادشاه پیدا نشد. در نهایت با همکاری چند آژنتاتور با همان کارچاق کن یک قطعه زمین بلاصاحب مشکوک به فضای سبز و اراضی ملی را، در یک منطقه‌ی خوش آب و هوا با قیمت کمتر از دو هزار تومان(!) خریداری کرد. بعد هم زمین را با پادشاه هم دولا پهنأ حساب کرد و هزینه‌ی ساخت قصر درویشی خودش در شمال شقیط جور شد!

القصد پس از پرداخت عوارض بلیدیه و سایر ارایز کردنی‌های متعارف و غیرمتعارف، معاونت معماری قصر فراخوانی منتشر نمود و از همه‌ی مهندسان مکتب‌خانه‌های دولتی و غیردولتی، آزاد، پیام نور، پیام پول، پودمانی و پولمانی و ... برای طراحی و ساخت این بنای بی‌بدیل دعوت کردند.

معماران و مهندسان زیادی برای ساخت قصر داوطلب شدند، اما پس از سال‌ها و کار و تلاش و محاسبه، هیچ‌کدام از آن‌ها از عهده‌ی ساخت سقف

تالار اصلی بر نیامند و سقف بدون ستون دوام نمی‌آورد و مدیمان زیادی بر سر این کار جان خود را از دست دادند تا این‌که ناکامی پادشاه او را به شتت افسرده و خشمگین ساخت و دست آخر معلوم شد که این کار فقط از دستن هنرمند معمار با تجربه‌ی ای نام به نام «اوستا یحیی» برمی‌آید.

کارگزار قصر شخصا به دیدار اوستا یحیی رفت. استا که به دلیل فشارهای اقتصادی خودش فاقد مسکن بود و در یکی از پشت‌بام‌های اجاره‌ای مسکن مهر در حوالی بیابان‌های شقیط زندگی می‌کرد، با ترس و لرز همراه کارگزار به قصر رفت. ماجرای قصر را برای اوستا بیان کردند و اوستا یحیی از بنای پروژه یازدید کرد. بعد با اجازه پادشاه فلک را سقف شکافت و طرحی نو در انداخت و کار را آغاز کرد. اوستا در مدت چند ماه کاخ افسانه‌ای پادشاه را تا زیر سقف بالا برد و اعجاب و تحسین همگان را برانگیخت اما درست وقتی که دیواره‌ها به زیر سقف رسیدند و کار در مراحل نهایی بود ناگهان اوستا یحیی ناپدید شد و کار اتمام قصر افسانه‌ای نیمه‌کار ماند.

ملازمان پادشاه مدت‌ها پی او گشتند. تمام پشت‌بام‌ها و زیر پله‌ها و هرجایی که امکان داشت اوستا آن‌جا را برای زندگی اجاره کرده باشد، گشتند ولی اثری از اوستا نبود! پادشاه خشمگین شد و دستور داد اگر او را یافتند نصف بدنش را در بتن قالب‌گیری گیرند و مابقی‌اش را نمای رومی کار کنند تا برای بقیه درس عبرتی شود که کار پادشاه را نیمه‌کاره رها نکنند! اما پس از گذشت هفت سال دیواره سر و کله اوستا یحیی پیدا شد .

درباربان که از اخلاق سگی و لچ‌باز بودن پادشاه آگاه بودند اوستا یحیی را کت بسته با یک فرغون ماسه، یک کیسه پنجاه کیلویی سیمان بختورد، چند کارتن سنگ رومی مجتمع سنگ‌بری هشت بهشت اصفهان، یک نیم بشکه مخصوص ساخت دوغاب سیمان به حضور پادشاه آوردند! قبل از اجرای حکم پادشاه و قالب گرفتن معمار نگوین بخت، اوستا یحیی از پادشاه درخواست کرد به حرف‌های او گوش کنند. او توضیح داد که علت ناکامی معماران قبلی در برافراشتن سقف تالار بی‌ستون استفاده از میلگرد‌های بی‌کیفیت بوده است. چرا که میلگردهایی که معماران در ساخت و ساز اینیه مختلف استفاده می‌کردند همگی چینی و بی‌کیفیت بودند و از طرفی چون زمین به دلیل فشار دیواره‌ها و عوارض طبیعی نشست می‌کند، اگر پس از بالا رفتن دیواره بلافاصله سقف ساخته شود به دلیل نشست زمین و کیفیت پائین میلگردها بعدا سقف نیز ترک می‌خورد

و فرو می‌ریزد و قصر جاودانه نخواهد شد. پس لازم بود مدت هفت سال سپری شود تا زمین و دیواره‌ها نهایت افث و نشست خود را داشته باشند تا هنگام ساخت سقف که موعدهش همین حالا است مشکلی پیش نیاید. ناگفته نماند اگر من در همان موقع این موضوع را به شما می‌گفتم حمل بر ناتوانی بنده می‌کردید و من نیز به سزومشت دیگر معماران ناکم، به کام مرگ می‌رفتم. فلذا از انتظار مخفی شدم تا در زمان مناسب به ادامه ساخت قصر بپردازم.

پادشاه و وزیران به هوش و ذکاوت او آفرین گفتند و ادامه کار را با پادش بزرگ‌تری به او سپردند. اوستا یحیی ظرف یک سال قصر رویایی مروارید شقیط را اتمام و آماده افتتاح نمود.مراسم باشکوهی برای افتتاح قصر در نظر گرفته شد و شخصیت‌ها و رجال بزرگ سیاسی آن عصر و سردمداران کشورهای دوست و همسایه نیز به جشن دعوت شدند. و داستان افتتاح قصر افسانه‌ای را پوشش خبری می‌دادند و نگارگری می‌کردند.

ادامه در صفحه‌ی آخر